

هشدار رییس مجلس سنا از سپردن تجهیزات نظامی امریکا به پاکستان:

آرام نخواهیم نشست!



صفحه ۶

شورای عالی صلح:
گفت و گوهای صلح وابسته
به یک شخص نیست



یک عضو شورای عالی صلح افغانستان گفت: ناپدید شدن ملا آغا جان معتصم نمی‌تواند مانع روند صلح شود. قاضی محمد امین وقاد روز سه شنبه افزود: هیچ اقدام منفی نمی‌تواند مانع گفت و گوهای شورای عالی صلح و نمایندگان طالبان شود و روند صلح افغانستان وابسته به یک شخص نیست. وی تاکید کرد: تلاش‌ها برای یافتن ملا آغا جان معتصم که در امارات ناپدید شده است ادامه دارد. سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان روز دوشنبه ناپدید شدن ملا آغا جان معتصم وزیر سابق مالیه حکومت طالبان را تایید کرد.

تلاش کابل و انقره برای گسترش روابط بازرگانی



اتاق تجارت و صنایع افغانستان نمایشگاهی را زیر عنوان «تواصل تجارتي» از محصولات افغانستان و ترکیه در کابل برگزار کرد. هدف از برگزاری این نمایشگاه، همکاری و ارتباط بیشتر بین تاجران افغانستان و ترکیه خوانده شده است.

در این نمایشگاه ۶۰ شرکت از هردو کشور محصولاتشان را در ۱۰۰ غرفه به نمایش گذاشته اند. این چهارمین نمایشگاه افغانستان و ترکیه است و در آن ۳۰ تن از سرمایه گذاران نیز برای یافتن زمینه های سرمایه گذاری شرکت کرده اند. عبدالهادی ارغندویال وزیر اقتصاد در مراسم افتتاح این نمایشگاه گفت که امیدوار است دو کشور بتوانند زمینه گسترش فعالیت‌های تجارتي و سرمایه گذاری را فراهم کنند: «ما خوشحالیم که کشور برادر با ما هم نظر باشد و در بخش انکشاف اقتصادی افغانستان و ترکیه روابط تنگاتنگ بین دو کشور مسلمان و برادر به نحوی ایجاد کنند که سبب خیر بین هردو کشور شود». قرار است اتاق تجارت زمینه‌های آگاهی تاجران

افغانستان و ترکیه را از بازارها و نیازمندی های دو کشور فراهم کند تا تاجران دو کشور از وضعیت بازار آگاهی یابند و براساس نیازمندی های بازار در افغانستان و ترکیه تجارت شان را رونق دهند. براساس آمار اتاق تجارت در سال ۱۳۹۲ افغانستان و ترکیه ۲۹۷ میلیون دالر دادوستد تجارتي داشته اند و بیشتر این مبلغ را واردات افغانستان از ترکیه تشکیل می دهد. اما قربان حقجو رییس عامل اتاق تجارت و صنایع افغانستان در این کنفرانس گفت روابط نیک سیاسی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان و ترکیه ایجاب می کند که این دو کشور داد و ستد بیشتری داشته باشند. حقجو گفت:...

ادامه صفحه ۶

سفر رییس مجلس نماینده گان امریکا به افغانستان



رییس مجلس نماینده گان امریکا در راس هیاتی از قانونگذاران جمهوری خواه به افغانستان آمده است تا بر ابقای حضور نظامیان امریکایی و بررسی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان تاکید کند. به گزارش خبرگزاری رویترز، جان بوئرنر، رییس مجلس نماینده گان امریکا و هفت تن دیگر از نماینده گان...
ادامه صفحه ۶

ر بوده شدن یک مقام بلند پایه حکومت در شهر کابل



افراد مسلح ناشناس روز سه شنبه معین وزارت فواید عامه را در کابل ربودند. ربودن یک مقام بلند پایه حکومتی در مرکز شهر کابل و آنهم در روز روشن، نگرانی های زیادی را به دنبال داشته است. گل آغا هاشم، رییس تحقیق پولیس شهر کابل به اسوشیتد پرس گفته است که احمد شاه وحید معین تخنیکي وزارت فواید عامه سوار بر موترش راهی محل کارش بود که پنج مرد مسلح در منطقه خیرخانه واقع در شمال کابل موترش را متوقف ساختند و او را با خود بردند. سهیل کاکر، سخنگوی وزارت فواید عامه گفته است که این افراد مسلح راننده معین آن وزارت را هنگامی که می‌خواست برای حفاظت از آن جا

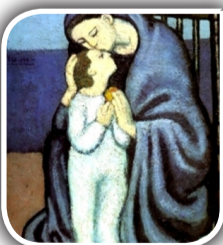
ادامه صفحه ۶

در برگ ها



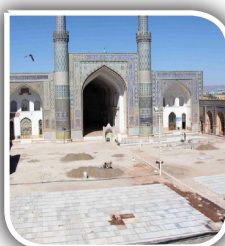
نمایش
ناپدید شدن
معتصم
آغا جان

فیس بوک؛
یک فرصت یا
چالش؟



گفتمان
مادری
در ادبیات
امریکا، اواخر
قرن بیستم

آغاز دو پروژه
بازسازی در
مسجد جامع
بزرگ هرات



سخن ماندگار

آدمربایی در روز روشن زیر چشم پولیس

ساعت هفت صبح دیروز، احمدشاه وحید معین وزارت فواید عامه از دهن دروازه خانه‌اش در محله خیرخانه کابل، ربوده شد. آدمربایان بالای موتر آقای وحید شلیک کردند و پس از آسیب رساندن به راننده‌اش، او را از موتر بیرون کشیده و با خود بردند. گزارش‌ها می‌رساند که معین وزارت فواید عامه، با خود محافظ شخصی نداشته و احتمالاً آدمربایان از همین فرصت استفاده کرده و این کار را انجام دادند.

این رویداد در خیرخانه رخ داده است که اتفاقاً از امن‌ترین نقاط کابل شمرده می‌شود؛ جایی که یکی از پرنفوس‌ترین محلات کابل است؛ اما در چنین یک جایی، یکی از بلندپایه‌ترین ماموران حکومت ربوده می‌شود.

طوری که گفته می‌شود، تا رسیدن به محل ربایش معین وزارت فواید عامه چندین پاسگاه پولیس وجود دارد و اکنون، پرسش این است که آدمربایان چه گونه موفق به انجام این عمل شده‌اند؟

همین چندی قبل، به دلیل تامین امنیت انتخابات و نیز بازداشت برخی از گروه‌های جنایت‌کار، در همین مقال از کارکرد نیروهای پولیس تقدیر شد اما تقدیر و احسنت، تنها کاری نیست که باید نیروهای امنیتی کشور از مردم انتظار داشته باشند. امروز این نقد صریح، بر غفلت آنان وارد است که چه‌گونه گذاشته‌اند تا یک معین یک وزارت را به همین ساده‌گی برابند؟

ربودن یک معین، ربودن یک فرد عادی نیست؛ بل نشانه بزرگ‌ترین نگرانی امنیتی در کشور است. ربودن یک معین در روز روشن، حاکی از آن است که امنیت کشور بسیار شکنند و پوشالی بوده است. این واقعه بیان می‌کند که گروه‌ها و باندهای جنایت‌کار هر وقتی و هر کاری را که بخواهند، می‌توانند انجام دهند. هر چند هنوز روشن نیست که دلیل ربودن آقای احمدشاه وحید چه بوده، ولی هر چه است این قدر روشن است که اختطاف او سیاسی نیست. بل بیشتر جنایی می‌باشد. محتمل است که یک گروه برای رسیدن به پول و یا کدام مسأله دیگر، دست به این کار زده باشند. به هر صورت، چنین عملی نشان می‌دهد که وقتی ربودن یک معین این قدر آسان است. اختطاف اشخاص عادی به مراتب ساده‌تر از آن است. شاید پُست حکومتی آقای وحید باعث شد که خبر او رسانه‌یی شود، اما این‌که چه تعداد از آدم‌هایی که به هر دلیلی، روزانه ربوده می‌شوند؟ معلوم نیست.

اختطاف شدن یک مقام بلندپایه دولتی می‌تواند تاثیر بسیار مخربی بر اذهان عامه بگذارد. این که دیگر کسی احساس امنیت نکند، این که جان هیچ کسی در امن نباشد و این که اذعان شود که قدرت تبهکاران به مراتب از نیروهای امنیتی کشور بالاتر است.

اختطاف یک معین می‌تواند حتا روی روحیه بازرگانان و آنانی که نسبتاً مایه دارند تاثیر منفی بگذارد. به گونه‌یی که کار و فعالیت آزادانه بازرگانان کشور را نیز متاثر سازد. نه تنها در سطح ملی، بل پخش این خبر، حتا می‌تواند روی سرمایه‌گذاری تاجران بین‌المللی در افغانستان تاثیر بگذارد.

به هر صورت، کوتاهی و غفلت نیروهای امنیتی در این زمینه اکنون مجال آن را داده است که نقد جدی‌یی بر کارکرد آن‌ها وارد باشد، اما تنها با نقد نمی‌شود که جلو پیامدهای منفی این کوتاهی نیروهای امنیتی را گرفت، بل عمل جدی و تعهد به مسولیت وجدانی لازم است که نیروهای امنیتی کشور آن را نباید از یاد ببرند. به هر صورت باید این موضوع مورد توجه مقام‌های عالی امنیتی کشور قرار گیرد و باید واضح ساخته شود که چه گونه تفنگ داران می‌توانند به این آسانی از ایست‌های امنیتی عبور کنند و دست به هر کاری که بخواهند بزنند.

نمایش ناپدید شدنِ معتصم آغا جان

گروه شکست‌خورده ارگ در پایان روزهای قدرتش، به گونه فزاینده تلاش می‌کند نشان دهد که در بازی گفت‌وگوهای صلح هم‌چنان سکاندار است و نادیده گرفتن آن از سوی برنده انتخابات می‌تواند این روند را زیان‌مند سازد. تلاش‌های اخیر شورای عالی صلح برای به‌اصطلاح از سرگیری گفت‌وگوها با نماینده‌گانی که گفته می‌شود از سوی ملا عمر رهبر گروه طالبان به دبی فرستاده خواهند شد، بخشی از این‌گونه تلاش‌های ناکام می‌تواند باشد. گروه ارگ در پایان مأموریت خود در افغانستان، با ارایه نوعی فضای معشوش از وضعیت کشور، می‌خواهد مسأله صلح را هم‌چنان در انحصار خود داشته باشد

چند هفته پیش، به‌صورت ناگهانی این خبر در فضای رسانه‌ها پیچید که ملا معتصم آغا جان، یک‌تن از افراد ارشد طالبان، در شهر دبی ناپدید شده است. این خبر، نخست به‌وسیله «اکسپرس تریبون» یک روزنامه پاکستانی منتشر شد و بعد از آن، امرالله صالح رییس پیشین امنیت ملی افغانستان در صفحه فیس‌بوگ خود مطلبی در این خصوص نوشت. آقای صالح انتخاب دبی را به عنوان محل گفت‌وگوهای صلح به وسیله معتصم آغا جان غیرمنطقی دانسته و نوشته بود که اگر او اطلاعات دقیق در مورد سیاست کشورهای حوزه خلیج می‌داشت، شهر دبی را برای این کار انتخاب نمی‌کرد. اما حالا مثل این‌که وضعیت پیچیده‌تر از آن شده که قبلاً به نظر می‌رسید. در تازه‌ترین مورد، وزارت خارجه افغانستان نسبت به ناپدید شدن ملا معتصم آغا جان در دبی واکنش نشان داده و از تلاش‌ها برای ردیابی او خبر داده است. وحید مزده از آگاهان سیاسی افغانستان که روابطی نزدیک با برخی از اعضای گروه طالبان دارد نیز، در گفت‌وگو با برخی رسانه‌ها ناپدید شدن معتصم آغا جان را کار استخبارات پاکستان (آی اس آی) در تبانی با برخی شبکه‌های اطلاعاتی کشورهای عربی دانسته است. به گفته آقای مزده، احتمالاً معتصم آغا جان

احمد عمران

قدرتش، به گونه فزاینده تلاش می‌کند نشان دهد که در بازی گفت‌وگوهای صلح هم‌چنان سکاندار است و نادیده گرفتن آن از سوی برنده انتخابات می‌تواند این روند را زیان‌مند سازد. تلاش‌های اخیر شورای عالی صلح برای به‌اصطلاح از سرگیری گفت‌وگوها با نماینده‌گانی که گفته می‌شود از سوی ملا عمر رهبر گروه طالبان به دبی فرستاده خواهند شد، بخشی از این‌گونه تلاش‌های ناکام می‌تواند باشد. گروه ارگ در پایان مأموریت خود در افغانستان، با ارایه نوعی فضای معشوش از وضعیت کشور، می‌خواهد مسأله صلح را هم‌چنان در انحصار خود داشته باشد.

واکنش در مورد ناپدید شدن ملا معتصم آغا جان، به‌جای این‌که ریشه در نگرانی‌های ارگ‌نشینان در مورد مسأله صلح در افغانستان داشته باشد، بیشتر افشاکنده و حکایتگر وضعیت پیچیده و گنگ آن‌ها پس از برگزاری انتخابات شانزده حمل است. از جانب دیگر، ملا معتصم آغا جان

در دبی با افراد نامطلوب از نظر آی اس آی و شبکه‌های استخباراتی کشورهای عربی، تماس داشته و این موضوع سبب بازداشت او شده است. مسلماً این نوع ادعاها تا زمانی که از سوی منابع موثق تأیید نشوند، در حد گمانه‌زنی باقی می‌مانند و نمی‌توان چندان به صحت و سقم آن‌ها اعتماد کرد. اما نکته مهم در ناپدید شدن این عضو سابق گروه طالبان، این است که تلاش‌های او بدون شک خشم برخی جناح‌های دخیل در قضیه افغانستان را فراهم کرده و این موضوع احتمالاً با مفقود شدنش در دبی رابطه دارد. اما پرسش اساسی این‌جاست که معتصم آغا جان چه نقشی در معادلات افغانستان به عهده گرفته بود که او را این قدر در محراق توجه نهادهای استخباراتی و جاسوسی قرار داده باشد؟ تا آن‌جا که معلوم است، عذرخواهی



حتا در صورت آزادی، چه اقدام موثری می‌توانست در تأمین گفت‌وگوهای صلح داشته باشد؟... او همان‌گونه که آقای صالح متذکر شده، بهتر بود کابل را به عنوان محل اصلی بودوباش خود انتخابات می‌کرد و به‌سان برخی از چهره‌های دیگر طالبان که در حال حاضر در کابل زنده گی می‌کنند، در این شهر به‌سر می‌برد و اگر می‌توانست کمکی برای تأمین صلح از خود صورت دهد، از همین پایگاه استفاده می‌کرد.

در خارج زنده‌گی کردن و صدور اعلامیه از راه دور، به هیچ عنوان نمی‌تواند اقدامی آن‌چنانی برای تأمین صلح در افغانستان پنداشته شود. اگر چنین اقدام‌هایی موثر می‌بود، بدون شک گروه‌ها و شخصیت‌های مهم‌تری نسبت به ملا معتصم آغا جان در بیرون از افغانستان حضور داشتند تا این گره‌گشایی را انجام دهند. اما تجربه سال‌های جنگ نشان داده که هر اقدام بیرون از فضای افغانستان پیش از آن‌که در خدمت منافع ملی قرار گیرد، در دایره استخباراتی کشورهای بیگانه محکوم به بن‌بست می‌شود.

او از گذشته خود، او را عملاً به یک مهره سوخته در نظر بسیاری از سازمان‌های اطلاعاتی تبدیل کرده بود. طالبان نیز در زمانی که معتصم آغا جان نزدیکی‌هایی با ارگ ریاست‌جمهوری پیدا کرد، اعلام کردند که او نماینده این گروه نیست و نمی‌تواند در گفت‌وگوهای صلح شرکت داشته باشد. با این اوصاف، می‌توان نتیجه گرفت که معتصم آغا جان جایگاه خود را در ساختار طالبان از دست داده بود و دیگر برای این گروه فرد مهمی به شمار نمی‌رفت.

اما معتصم آغا جان برای ارگ ریاست‌جمهوری فرد قابل توجهی به شمار می‌رفت، آن‌هم نه به دلیل این‌که او می‌توانست در تأمین صلح در افغانستان نقش بازی کند، چون از سوی ارگ‌نشینان نیز موقعیت و جایگاه او در چنین معادلاتی پوشیده نبود؛ بلکه به این دلیل که او می‌توانست سرپوشی بر ناکامی‌های این جناح در امر تأمین برقراری گفت‌وگوهای صلح باشد. گروه شکست‌خورده ارگ در پایان روزهای

مدودف:

اوکراین در آستانه جنگ داخلی است



نخست‌وزیر روسیه روز سه‌شنبه گفت: کشت و کشتار در اوکراین یک‌بار دیگر رخ داده و این کشور در آستانه جنگ داخلی قرار دارد.

به گزارش خبرگزاری ایترتاس، دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه در یادداشت خود در صفحه فیس‌بوکش آورده است: این یک اقدام تاسف‌آور است.

مدودف گفت: علت اصلی بروز این تراژدی این است که مقام‌های مشروع اوکراین زمانی که ساختمان‌های دولتی توسط دیگران به تصرف درآمد، حتی تلاش نکردند تا از حقوق و قوانین مناطق مختلف در این کشور دفاع کنند.

وی افزود: به همین دلیل است که اقدامات مقام‌های دولت جدید اوکراین اصلاً با ارزش نیست و رهبران غیر مشروع آن بر عکس تلاش می‌کنند تا قوانینی را احیا کنند که خودشان آن را نابود کرده‌اند و به واسطه کودتا هم‌اکنون بر راس قدرت هستند.

دیمیتری مدودف در ادامه نوشت: این اقدام‌ها مغایر یکدیگر هستند و اقدامات تهاجمی علیه کشور یا همان کودتا و تظاهرات مردمی در مناطق جنوبی و شرقی محسوب می‌شوند. سلسله واکنش‌ها و پیامدهای این اقدامات، سیاسی و اقتصادی هستند.

نخست‌وزیر روسیه همچنین اعلام کرد: شهروندان اوکراینی باید شخصا در ایجاد یک کشور بر مبنای برابری اقدام کنند. امروز بسیاری تمایل راستین مردم اوکراین را درک کرده‌اند؛ افرادی که قدرت را در کی‌یف به دست دارند. به این معنا که مردم می‌توانند به صورت مستقل آینده و سرنوشت خود را تعیین کنند. آن‌ها می‌خواهند تمایلات خودشان را با ابزار قانونی بیان کنند. برای شرکت در تشکیل یک کشور مستقل و یکپارچه ضرورت همکاری نیاز است؛ کشوری جدید بر مبنای برابری.

مدودف تاکید کرد که یک اوکراین جدید باید کاملاً مستقل باشد؛ به دور از جرایم سازمان یافته، تانک‌ها و خودروهای زرهی و بدون سفرهای مخفیانه رئیس سازمان اطلاعات آمریکا (سیا).

مخالفت ولیعهد انگلیس با حمایت از سلمان رشدی



یک نویسنده انگلیسی فاش ساخت پرنس چارلز، ولیعهد انگلیس و شاهزاده ولز در زمانی که فتوای مرگ سلمان رشدی به دلیل توهین به پیامبر اسلام (ص) صادر شده بود، حاضر به حمایت از او نشده است.

به گزارش روزنامه دیلی میل، مارتین امیس، نویسنده انگلیسی در مقاله‌یی که در یک نشریه به چاپ رساند، مدعی شد پس از آنکه در سال ۱۹۸۹ فتوای مرگ سلمان رشدی، به دلیل توهین به پیامبر اسلام (ص) صادر شد، وی در یک ضیافت شام با پرنس چارلز، ولیعهد انگلیس و شاهزاده ولز دچار اختلاف شد.

به گفته امیس، پرنس چارلز به او گفته بود از کسی که به اعتقادات عمیق فرد دیگری توهین می‌کند حمایت نخواهد کرد.

این در حالی است که دولت انگلیس به دنبال صدور فتوای کشتن سلمان رشدی، او را تحت تدابیر امنیتی ۲۴ ساعته با هزینه مالیات دهندگان انگلیسی قرار داد.

امیس نوشت: من در یک ضیافت شام کوچک با پرنس چارلز وارد بحث شدم. او به من گفت متأسفم اما اگر کسی به عمیق‌ترین اعتقادات فرد دیگری توهین کند از او حمایت نمی‌کنم.

اولین سال

ریاست

جمهوری

شی جینپینگ

چگونه

گذشت

قرار بود بازدید شی جینپینگ از خانه سالمندان «سی جی کینگ» پکن در دسامبر گذشته اتفاقی عادی و فرصتی برای عکاسی خبرنگاران باشد.

رییس جمهوری چین کمتر از یک ساعت در آنجا ماند و پس از تمجید از کتابخانه و بازدید از سالن غذاخوری، به اتاق گروه سرود رفت تا آن‌ها را در خواندن یک سرود قدیمی کمونیستی همراهی کند.

ولی از زمان انتشار خبر بازدید کوتاه شی جینپینگ، این خانه سالمندان تبدیل به یک جاذبه توریستی شده است. ژانگ ونا، یکی از کارمندان این مرکز، می‌گوید چندین هفته است که تلفن بی‌وقفه زنگ می‌زند و همه می‌خواهند از «مسیر گشت شی جین پینگ» دیدن کنند.

او می‌گوید: «ما بازدیدکنندگان را از مسیری که رییس جمهور رفته است می‌بریم. آنها می‌خواهند از همان اتاق‌ها و افرادی که او دیده است بازدید کنند.»

امسال تقریباً ۷ هزار نفر از این خانه سالمندان بازدید خواهند کرد. لیست انتظار ۵ هزار نفره پر شده است. این پدیده را می‌توان «اثر شی» نامید. پس از بازدید قدرتمندترین مرد چین از جایی، محبوبیت این مکان افزایش جهشی پیدا می‌کند.

شی پس از بازدید از این خانه سالمندان، برای خوردن ناهار به یک رستوران بین راهی رفت.

از آن زمان «غذای دبیرکل شی» یعنی خورش روده خوک، به پرفروش‌ترین غذای این رستوران بدل شده است. یک شرکت مسافرتی در پکن این رستوران را به ایستگاه‌های تور گردشگری خود افزوده است.

«رویای چینی»

پیش از به قدرت رسیدن شی جینپینگ، برخی، قابلیت او برای رهبری کارآمد را زیر سؤال می‌بردند. در آن زمان به نظر می‌رسید که حزب کمونیست زیر فشار اختلافات درونی فلج شده است.

ولی این انتقادات سه‌راه شی جینپینگ نشد. او جایگاهش در راس حزب کمونیست چین را با قاطعیت از آن خود کرد.

در این یک سال، شی با اعتماد به نفس قدم‌های بزرگی برداشته است. او در خط مقدم بلندپروازانه‌ترین برنامه اصلاحات سیاسی و اجتماعی چین در چند دهه گذشته قرار گرفته است.

حالا به لطف شی، چین هم دارای یک «رویای چینی» شده: این ایده که شهروندان چین، در صورت همکاری جمعی، می‌توانند به شکوه و افتخارات ملی دست یابند. کارزاری برای از میان برداشتن ریخت و پاش‌ها و کاغذبازی‌های دولتی هر روز در سرخط خیرها است.

ولی همه تغییرات اعمال شده از سوی رییس جمهور شی مثبت نیست. در دوره او سانسور اینترنت و رسانه‌ها افزایش شدیدی داشته. همچنین امید به تغییراتی دیگر، مثلاً لغو سیاست ملی تک فرزندی و اردوگاه‌های کارگری، به یأس بدل شده است.

سیاست خارجی جسورانه شی باعث گسترش بی‌اعتمادی در میان همسایگان چین، به خصوص کشورهای درگیر در مناقشات ارضی در دریاهای شرقی و جنوبی چین شده است.

با این حال، تلاش برای تغییرات بیشتری بی‌وقفه ادامه دارد. چنگ لی، کارشناس مؤسسه بروکینگز در واشنگتن،

می‌گوید: «او باید برای جلب اعتماد و مقبولیت عمومی در اولین سال خود، چند کار متفاوت با نفر قبلی خود انجام دهد.»

او می‌افزاید: «آقای شی یک جدول زمانبندی نیز در ذهن خود دارد.»

طبق پروتکل حزب کمونیست، سه نفر از هفت نفر معاونان اصلی شی باید تا سه سال دیگر بازنشسته شوند و این یعنی او باید کارزار اصلاحات خود را با فوریت بیشتری پیگیری کند.

تنها در راس؟

بی‌شک اولین اقدام در دستور کار رییس جمهور جدید تثبیت جایگاه خود در راس قدرت بوده است.

طی دو دهه گذشته، چین توسط اعضای کمیته دائمی پلیتبوروی حزب کمونیست و به صورت گروهی اداره می‌شد. حالا دیگر تقریباً شکی باقی نمانده که شی، مانند رهبران قدیمی چین مانو تسه تونگ و دنگ شیائوپینگ، خود را از سطح همکارانش بالاتر کشیده است.

هنگامی که دولت در ماه نوامبر از برنامه اصلاحات خود پرده برداشت، انتظار می‌رفت که نخست‌وزیر چین، لی که چیانگ، نقش کلیدی در شکل‌گیری این اصلاحات داشته باشد. بنابر عرف چین، نخست‌وزیر مسئول امور داخلی و به خصوص سیاست‌های اقتصادی است.

در عوض نام شی جینپینگ در جای جای طرح اولیه اصلاحات دیده می‌شد.

به طور مشخص، شی در کمیته‌های راهبردی امنیت ملی و بازسازی ساختاری کشور، برای خود سمت‌های جدید و مهمی در نظر گرفت. دو هفته پیش اعلام شد که رییس جمهور همچنین ریاست کمیته دیگری برای نظارت بر اینترنت در چین را نیز بر عهده خواهد داشت.

به گفته بو ژو، محقق ارشد در دانشگاه ملی سنگاپور، ایجاد این سمت‌های جدید اقدامی برای تثبیت جایگاه شی جینپینگ در ساختار قدرت است.

او می‌گوید: «کاری که او کرده این است که قدرت را بزرگ‌تر کرده، تا سهم بیشتری به خودش برسد. او

شبکه خبری بی.بی.سی

مستولان رده پایین با قدرت اندک. ولی چند نفر از «ببرها» نیز در دام این کارزار افتاده‌اند: سران عالی رتبه حزب. ژو یونگ کانگ، رییس سابق امنیت داخلی و رقیب شی، نیز مورد هدف این کارزار قرار گرفته.

نگرانی از بی‌ثباتی سیاسی به پاکسازی حزب کمونیست اجازه پیشروی داده. برخی اقدامات شی جینپینگ برای افزایش قدرت خود بوده، ولی او برای محافظت از آینده حزب نیز در تلاش است.

به گفته دیوید زواینگ، رهبران دیگر وظیفه نجات حزب کمونیست را به او سپرده‌اند. حزب کمونیست مملو از فساد شده، برای همین او حاضر شده خطرات مالی را به جان بخرد تا این فساد را ریشه‌کن کند.

زواینگ می‌گوید: «آنها تصمیم گرفته‌اند کارزار موشکافانه ضدفساد خود را با وجود هزینه‌هایی که بر اقتصاد تحمیل می‌کند پیش ببرند. تولید ناخالص داخلی به زودی سقوط می‌کند.»

او می‌افزاید: «یکی از بزرگترین بازارهای مصرف در چین، که معمولاً در محاسبات اقتصادی نادیده گرفته می‌شود، مخارج دولتی از جمله مهمانی‌ها، هدیه‌ها و سفرها است.»

نگرانی شی جینپینگ از بی‌ثباتی، عدم تحمل مخالفان سیاسی از سوی او را هم توضیح می‌دهد. پیش از به قدرت رسیدن او، بسیاری از چینی‌های لیبرال امیدوار بودند که او مدارای بیشتری در مقابل مباحثات آزادانه و آزادی بیان بیشتر داشته باشد.

در عوض، به نظر عکس این اتفاق افتاده است.

تعداد زیادی از ناراضیان دستگیر شده یا مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. لیو شیا، همسر برنده جایزه نوبل صلح لیو شیائوبو، با وجود نگرانی‌ها در مورد وضعیت سلامتی‌اش، همچنان در حصر خانگی است.

شو تسی یونگ، حقوقدان مورد احترام، پس از آنکه از مقامات خواست تا دارای‌های خود را رسماً اعلام کنند، به چهار سال زندان محکوم شد. سرکوب مذهبی در سین کیانگ و تبت نیز بی‌وقفه ادامه دارد.



به گفته چنگ لی، سرعت انباشت قدرت توسط شی جینپینگ و راحتی او در بکارگیری این قدرت را می‌توان به پیشینه سیاسی او مرتبط دانست. رییس جمهور شی یک «شاهزاده» است: فرزند یکی از اعضای مؤسس حزب کمونیست.

چنگ دربارۀ شی و نزدیکان او می‌گوید: «یک شاهزاده احساس می‌کند که کشور متعلق به او است. هر دوی هو جیتائو و ون جیبائو، رهبرانی که در ۱۰ سال گذشته چین را رهبری می‌کردند، از خانواده‌های معمولی آمده بودند.»

به عقیده چنگ، به آنها به دیده «مدیر» نگاه می‌شد، ولی «صاحبان» سیستم برای رفع برخی از مشکلات کشور دست بازتری دارند. به عنوان مثال، آن‌ها با افرادی که شرکت‌های دولتی قدرتمند چین را اداره می‌کنند روابط بسیار نزدیکی دارند.

او می‌گوید: «بنابراین آنها می‌توانند آدم‌های خودشان را مجبور کنند تا بخشی از قدرت خود را تسلیم کنند و در نتیجه نظام اقتصادی چین را بازتر کنند و اصلاحات اقتصادی را پیش ببرند.»

اخیراً نخست‌وزیر لی که چیانگ، دومین فرد قدرتمند چین، جلسه پارلمان امسال را با یک سخنرانی دو ساعته درباره وظایف دولت افتتاح کرد.

ولی کسی شک نخواهد داشت که فرد اصلی پشت پرده شی جینپینگ است. در تنها کمی بیش از یک سال، او ساختار سیاسی چین را زیر و رو و آن را به ریشه‌های کمونیستی‌اش نزدیک‌تر کرده. بار دیگر تنها یک نفر در راس قرار گرفته است.

سازمان‌ها و سمت‌های جدیدی برای خود به وجود آورده و جایگاه افراد دیگر را غصب کرده. و حالا عناوین مهم‌تر نصیب او شده.»

احاطه شدن شی جینپینگ توسط همکارانی از فراکسیون خود او در حزب کمونیست آشکارا به سود او است.

چنگ لی می‌گوید: «اکثریت مجموعه رهبری در کمیته دائمی پلیتبورو در دست شی جین پینگ است.»

تنها نخست‌وزیر لی که چیانگ، از هواداران رییس جمهور پیشین هو جیتائو، متعلق به فراکسیون دیگری در حزب کمونیست است.

او می‌افزاید: «نسبت شش به یک واقعاً باعث تحکیم جایگاه او در قدرت شده و به او این امکان داده که هر کاری که می‌خواهد را بکند.»

البته تصمیم شی برای تنها ایستادن در راس قدرت خطرناکی نیز به همراه دارد.

دیوید زواینگ، استاد علوم اجتماعی در دانشگاه علم و فناوری هنگ کنگ، می‌گوید: «او با تضعیف جایگاه لی که چیانگ دارد ریسک بزرگی می‌کند. در این صورت نمی‌شود تقصیرها را به گردن فرد دیگری انداخت.»

حتی اگر این مسأله باعث نگرانی شی جینپینگ باشد، مانع او برای راه اندازی یک کارزار ضد فساد، که همکاران او در دولت را نشانه گرفته، نشده است.

«مگس‌ها» و «ببرها»

تا اینجا کار، ۴۰ هزار مسئول دولتی به دلیل کسب غیر مشروع منابع مالی جریمه شده‌اند. ۱۰ هزار نفر دیگر نیز از کار اخراج شده‌اند و دولت توانسته ۶۵ میلیارد دلار از منابع نامشروع را بازیابی کند.

بسیاری از این مسئولان از دسته «مگس‌ها» هستند:

بخش دوم

ده روش از بهترین روش‌ها به منظور مهار قدرت پرسش

۵- پرسش برای گفت‌وگو و همدلی

پرسش‌ها فصل مشترک ارتباطات همدلانه است و انرژی بخش و زنده‌گی بخش مکالمات است. پرسش‌ها مردم را به سهیم شدن و به اشتراک گذاشتن بینش‌ها و عقاید دعوت می‌کند. اگر از پرسش‌ها به‌طور مناسبی استفاده کنیم، مردم احساس به حساب آمدن و شنیده شدن می‌کنند و در نتیجه احتمالاً در مکالمات مفید و بامعنا شرکت می‌کنند.

در حقیقت اکثر بحث‌ها، سخنگویی‌های یک‌طرفه لحظه‌یی است؛ هر فردی به‌جای گوش دادن، تنها منتظر می‌ماند که نوبت او برای صحبت کردن برسد. پرس‌وجوهای ساده مانند این‌که «چه‌گونه می‌توانم کمکی کنم؟» یا «آیا حال فرزندت از آخرین باری که صحبت کردیم، بهتر شده است؟»، ساده‌ترین راه برای نشان دادن این است که شما در حال گوش دادن هستید و صادقانه به آن‌چه که با شما به اشتراک گذاشته می‌شود، توجه می‌کنید.

۶- پرسش به منظور تفکر انتقادی

استفاده ماهرانه از تحقیق، پایه و اساس تفکر انتقادی است. این بار نیز، تنها از طریق پرسش کردن، می‌توانیم حقیقتاً خودمان بیاندیشیم؛ به‌جای این‌که کورکورانه آن‌چه را که گفته شده درست است و یا تنها راه ممکن است، بپذیریم.

وقتی می‌گوییم «استفاده ماهرانه از تحقیق»، این لزوماً به معنی خیال‌پردازی نیست، بلکه در بیشتر مواقع به معنی بازی‌گوشی و «اندیشیدن کودکانه» است. متفکران انتقادی بزرگ، از پرسیدن پرسش‌های ظاهراً ساده شرم‌منده نمی‌شوند، این‌گونه پرسش‌ها معمولاً موثرترین است، هم‌چنین روشن‌فکران مغرور مستعد به چشم‌پوشی از این پرسش‌ها هستند.

پنج پرسش معروف چه چیز، کجا، چه کس، چه موقع و چرا، به عنوان مجموعه‌اولیه مؤثری از پرسش‌ها، شکست‌ناپذیر هستند. «این را کجا دیدی؟»، «علت‌های آن چیست؟»، «چرا امپراتور برهنه است؟».



۷- پرسش به منظور تغییر مرکز تمرکز شما

چارچوب‌بندی مجدد شرایط خود محدودکننده به‌صورت پرسش‌ها، مدت زیادی است که به عنوان بهترین راه برای تغییر فوری احساس ما شناخته شده است.

فرض کنید که شما احساس بدی دارید، با این حال، این احساس شدید است که جرأت نمی‌کنید از خود بپرسید «من درباره چه چیزی هیجان‌زده هستم؟». در ابتدا، این پرسش شما را آزار می‌دهد. با این وجود اگر صادقانه برای پاسخ‌گویی به این پرسش تلاش کنید، شما در واقع چیزی را می‌یابید که ارزش این را که احساس بهتری در مورد آن داشته باشید، دارد. این احساس، انکاری نیست و مرکز توجه شما را تغییر می‌دهد.

هم‌چنین، عبارات تضعیف‌کننده مثل این‌که «این غیر ممکن است!» استرس شما را افزایش می‌دهد و مانع این می‌شود که به دنبال راه‌حل بگردید. تغییر این اظهارنظر به این‌که «چه‌طور می‌توانم این را ممکن کنم؟» یا «چه چیز خوبی در مورد این است؟» کنترل را به شما بازمی‌گرداند و شما را به تمرکز بر راه‌حل سوق می‌دهد.



خواجه احمد کاوان

مارک زاکربریگ (Mark Zuckerberg)، ایجادگر و مدیر اجرایی شبکه فیس‌بوک در پاسخ به این پرسش که چرا فیس‌بوک را ایجاد کرده، گفته است: «هدف از ساختن فیس‌بوک، برداشتن حصارها و فاصله‌ها و ایجاد فضای صادقانه و آزادتر است.»

حضور بیش از یک میلیارد کاربر از نقاط مختلف جهان در قلمرو مجازی فیس‌بوک و ارتباطات گسترده و ثانیه‌یی آن‌ها از امکانات پیام‌رسانی سریع، خبرگزاری، انتقال تصاویر و ویدیوها از مناسبت‌های مختلف، اشتراک در مباحث و تبصره‌های گوناگون و تبادل پیامک و صدا و...، حصارهای بلند- و فاصله‌های دور و دراز را مهار ساخته و جهان را به یک دهکده کوچک و دست‌یافتنی مبدل کرده است که هرگاه و بی‌گاه می‌توانیم با هزینه و زمان کم، از گوشه و کنار این کره خاکی و از رویدادهای مختلف و از احوال و اوضاع اقشار و طبقات مختلف جامعه بشری اطلاع حاصل کنیم، نوشته‌ها و تصاویر خود را به اشتراک بگذاریم و از وقایع خوب و بد جهان آگاه شویم.

سال‌ها پیش، جوانان عرب با استفاده از همین فیس‌بوک در خاورمیانه و شمال آفریقا خیزش‌های مردمی‌یی به‌راه انداختند که در نتیجه آن، دیکتاتورهای دنیای عرب را سرنگون کرده و بهار عربی را رقم زدند که با پیامدهای مثبت این انقلاب، امیدهای زیادی در وجود مردمان زیر سایه سایر نظام‌های استبدادی زنده شد، و از سوی دیگر، لرزه بر اندام دیکتاتورها و مستبدان سایر کشورهای جهان افتاد، تا جایی که پادشاه عربستان سعودی تصمیم به خرید این شبکه اجتماعی در بدل میلیارد‌ها دالر گرفت. که با پاسخ منفی مدیر عامل این شبکه مواجه شد.

استفاده از فیس‌بوک در میان شهروندان افغانستانی نیز اقبال‌های زیادی را به همراه داشته است. جوانان دانشجو و فعالان مدنی و اهل قلم و اصحاب رسانه‌ها در چند سال اخیر به کمک فیس‌بوک، جنبش‌های اعتراضی و حرکت‌های مدنی را در گوشه‌وکنار کشور سامان داده‌اند: از راه‌اندازی صفحات ضد طالبان‌یسم و نکوهش فساد و بی‌کاره‌گی دولت‌مردان تا بسیج هزارها جوان در راهپیمایی‌ها برضد سیاست‌های تمامیت‌خواهانه و هدایت افکار عامه به حمایت از زبان و فرهنگ ملی این مرز و بوم؛ از مبارزات ضدخرافات تا افراطی‌ستیزی، از افشاگری تخلفات مأمورین بلندرتبه و پایین‌رتبه دولتی تا رسوا ساختن چهره‌های عوام‌فریب؛ و در این اواخر، تلاش پیگیر در بازتاب کارزارهای انتخاباتی و تشویق مردم به اشتراک در پروسه مردم‌سالاری، که به حضور گسترده و بی‌سابقه مردم در پای صندوق‌های رأی انجامید.

خلاصه، فیس‌بوک در افغانستان به ابرسانه مهمی بدل شده که در خدمت تبلیغ و ترویج و نشر و اشاعه داعیه حق‌طلبانه جوانانی قرار گرفته که از سکوت رسانه‌های دولتی و نیمه‌دولتی و علما و روحانیون خسته شده‌اند و می‌خواهند صدای اعتراض خویش را به گوش همه برسانند.

اما در کنار این سهولت‌ها و مزایای بسیار، در فیس‌بوک حریم شخصی افراد در معرض دستبرد دیگران قرار دارد و داده‌ها و اطلاعات کاربران نیز می‌تواند از سوی سازمان‌های بزرگ استخباراتی تجزیه و تحلیل شود. بنابراین، استفاده نابهنجار از فیس‌بوک، آسیب‌های جدی روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز به همراه دارد.

پیامدهای منفی روانی:

پژوهش‌گران دانشگاه میشیگان می‌گویند: تحقیقات آن‌ها نشان داده که صرف وقت در فیس‌بوک، شادی و رضایت از زندگی را کم می‌کند و به اصطلاح «حال آدم بدتر می‌شود».

پژوهش‌گران دانشگاه میشیگان برای این تحقیق، ۸۲ دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی را مدت دو هفته زیر نظر گرفتند. محققان در این دو هفته، روزی پنج بار به‌صورت آنلاین با این افراد تماس می‌گرفتند و از آن‌ها سوالاتی می‌پرسیدند؛ از قبیل این‌که «در این لحظه حال‌تان چطور است، یا چه احساسی دارید؟ یا از آخرین دفعه‌یی که ما با شما تماس گرفتیم، چند بار به فیس‌بوک سر زده‌اید؟»

در پایان دو هفته معلوم شد هر قدر این افراد بیشتر در فیس‌بوک وقت گذرانده‌اند، رضایت‌شان از زنده‌گی کمتر شده است. به نظر پژوهش‌گران، فرقی نمی‌کند تعداد دوستان‌تان در فیس‌بوک چند نفر باشند یا چه قدر دوستان خوبی باشند. حتی فرقی نمی‌کند به چه دلیلی به فیس‌بوک سر زده‌اید، زیرا نتیجه یکسان است.

اخیراً نیز تحقیقی دیگر منتشر شده که نشان می‌دهد نگاه کردن به پروفایل خود در فیس‌بوک، احساس بهتری نسبت به خود ایجاد می‌کند، ولی تحقیقات دیگر به این نتیجه منتهی شده که دیدن پروفایل و فعالیت‌های دیگران، حسادت برانگیز است و حال آدم را خراب می‌کند!

با این حال، برخی پژوهش‌ها هم می‌گویند: از فعالیت فیس‌بوکی افراد می‌توان به شخصیت، خلق‌وخو، جنسیت و علاقه آن‌ها پی برد.

پیامدهای اجتماعی:

اگر مجموع کاربران فیس‌بوک را در افغانستان ۱۰۰ هزار نفر و اشتغال‌شان را در طول روز، یک ساعت در نظر بگیریم، هر روز دست‌کم ۱۰۰ هزار ساعت نیرو و انرژی کار ما به هدر می‌رود.

بر اساس یک نظرسنجی غیررسمی، نیمی

از کارمندان ادارات دولتی افغانستان در ساعات اداری خود، مشغول گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی هستند و بیشتر اوقات خود را در فیس‌بوک چکر می‌زنند؛ تا جایی که بسیاری اوقات، کارهای رسمی و وظایف محوله‌شان را نمی‌توانند به‌درستی انجام بدهند.

این میزان از هدر رفتن نیروی کار در کشور جنگ‌زده و بی‌چاره‌یی چون افغانستان که حتا ثانیه‌ها را نباید از دست دهد، یک فاجعه بس بزرگ است!

پیامدهای فرهنگی:

اکثریت قریب به اتفاق کاربران فیس‌بوک را در افغانستان، جوانان تشکیل می‌دهند. شمار زیادی از جوانانی که در این شبکه عضو هستند، ساعت‌ها از شام تا بام و از بی‌گاه تا پگاه در پشت کامپیوتر و تلفون همراه‌شان مصروف استفاده از فیس‌بوک هستند، می‌لوند و می‌لایکند و می‌لایکند.

تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد: «دانش‌آموزان و دانشجویانی که از فیس‌بوک استفاده می‌کنند، نمرات‌شان بسیار پایین‌تر از آن‌هایی‌ست که در این شبکه عضو نیستند. نمرات دانش‌آموزانی که از فیس‌بوک استفاده می‌کنند، نزدیک به ۲۰ درصد از آن‌هایی که از این سایت استفاده نمی‌کنند، پایین‌تر است. و دانش‌آموزانی که از سایت‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند، موفق‌ترند و ۸۸ درصد از آن‌ها زمان بیشتری را صرف مطالعه و درس‌های خود می‌کنند.»

پیامدهای سیاسی:

اشتغال بیش از حد در فیس‌بوک و پخش و نشر مطالب و سرگرم شدن در بی‌اهمیت‌ترین مباحث؛ به غفلت جوانان از مباحث محوری سیاست، فرهنگ و دین و ارزش‌های ملی کمک کرده و زمینه را برای اعمال سیاست‌های مخرب و نادرست حکومتی، فریب‌کاری رهبران قومی و تظاهرگرایی فعالان مدنی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، مطرح شدن مسایل بی‌ارزش قومی و سمتی و زبانی از سوی برخی از کاربران فیس‌بوک، باعث تحریک احساسات بسیاری از مردم شده و فضای وحدت و هم‌بسته‌گی را - که نیاز جدی مردم افغانستان است - صدمه زده است.

حالا با اطلاع از فرصت‌ها و چالش‌های یاد شده، بر کاربران فیس‌بوک است تا استفاده درست از فیس‌بوک را تمرین کنند. کارمندان ادارات دولتی، که مسوولیت‌های مهم را به عهده دارند، نباید اوقات باارزش و سازنده خویش را صرف گردش در فیس‌بوک کنند. جوانان دانشجو و نوجوانان دانش‌آموز نیز باید استفاده هنجارمند و هدف‌دار از فیس‌بوک را بیاموزند و بر اساس یک برنامه زمانی مشخص و منظم، از این شبکه و سهولت‌های آن بهره ببرند.

بخش نخست

ناکو سوجیاما / برگردان: ابراهیم خدایتی

گفتمان مادری در ادبیات امریکا، اواخر قرن بیستم

پیش‌گفتار مترجم:

ارایه ترجمه‌ی قابل قبول از این مقاله با توجه به اختصاری که نویسنده در بیان مطالب رعایت کرده و در عین حال پرباری و پراکنده‌گی مباحث آن، کار دشواری بود. کوشیده‌ام معادل انگلیسی اصطلاحات دشوار یا دو پهلو را در کنار معادل فارسی ذکر کنم، هم‌چنین املائی انگلیسی اسامی خاص را در داخل پراکنش آورده‌ام.

این مقاله به «گفتمان مادری» می‌پردازد و ضمن بازبینی نظرات مختلف فمینیست و پسامدرنیست در این باره، تلاش دارد این گفتمان را در رابطه کامل با قومیت و نژاد و طبقه چارچوب‌بندی کند و از تلقی جهان‌شمول مفاهیم مادر و مادرانه‌گی که به طور سنتی رایج است، دوری کند. نویسنده با انتخاب آثار زنان غیر سفیدپوست مدعی است صداهای پسامدرن را باید در آثار اهل قلم حاشیه‌ی دید درحالی‌که عرف بر این است دنیای پسامدرن را هم از لابه‌لای آثار «مردان سفید» جست‌وجو کنیم؛ اما بررسی آثار این زنان افریقایی، آسیایی و بومی نشان می‌دهد که به‌خوبی و شفافیت می‌توانند «تفکیک شده» و «نامتمرکز» بودن دنیای پسامدرن را بازنمایی کنند. نویسنده پس از بیان کلیات نظری، به بررسی سه رمان از سه نویسنده برجسته رنگین‌پوست که به ادعای وی در «گفتمان مادری» قلم می‌زنند پرداخته است. اما به خاطر دشواری درک و فهم کامل این بخش توانسته‌ام پنج صفحه‌ی که درباره دو رمان اخیر بحث می‌کنند را به طور قابل آرایه به فارسی برگردانم، پس آنچه در پی می‌آید، شامل ترجمه فارسی صفحات ۸۲ تا ۸۷ متن انگلیسی نمی‌باشد.

مشخصات مقاله:

عنوان:

Postmodern Motherhood and Ethnicity: Maternal Discourse in Late Twentieth-Century American Literature

نویسنده:

Naoko SUGIYAMA

منبع:

The Japanese Journal of American Studies, No 11. PP: (2000) 90-71

1. مقدمه:

پسا مدرنیسم، قومیت و مادرانه‌گی (motherhood) بیش از یک ربع قرن است که شمار زیادی از زنان رنگین‌پوست به عنوان نویسنده‌گان مولد و نوآور در ایالات متحده برآمده‌اند. از این جمله نام امریکاییان افریقایی تبار هم‌چون تونی مریسون (Toni Morrison) و آلیس والکر (Alice Walker)، امریکاییان آسیایی تبار هم‌چون ماکسین هونگ کینگستون (Maxing Honge Kingeston) و امی تان (Amy Tan)، امریکایی‌های بومی هم‌چون لسلی سیلکو (Leslie Silko) و لوییس اردریچ (Louise Erdrich) به عنوان مثال به ذهن خطور می‌کند. اغلب کتاب‌های‌شان به عنوان تجربه زیسته یا به عنوان مستندسازی فرهنگ‌های خاص و مفید برای تحلیل جامعه‌شناختی و نه برای بینش‌های نظری یا فلسفی که به جامعه بزرگتر مربوط باشد، خوانده می‌شود.

به هر حال، آثار ایشان آشکارا خود تفکیک‌شده و نامتمرکز را که اغلب فقط به نویسنده‌گان خلاق پسامدرن مرد سفیدپوست نسبت داده می‌شود را در خود دارد. در حقیقت، کارهای داستانی زنان رنگین‌پوست و مخصوصاً بازنمایی داستانی ایشان از مادرانه‌گی می‌تواند بیش از ادبیات پسامدرن امریکایی دو دهه اخیر بلندهمتانه و بازنماینده باشد.

برخی منتقدان علی‌رغم تمایل ما برای یافتن نمونه‌های معمول ادبیات پسا مدرن، نزد نویسنده‌گانی هم‌چون جان بارث (John Barth)، توماس پینچون (Thomas Pynchon) و دونالد بارثلمه (Donald Barthleme) ادعا می‌کنند که پسامدرنیسم و نظریه پسامدرن باید بیشتر به فرهنگ‌های حاشیه همچون اقلیت‌های قومی، طبقه کارگر و زنان نسبت داده شود و از آن‌ها گرفته شود.

به عنوان مثال: بل هوکس (bell hooks) در مقاله‌اش زیر عنوان «سیاه‌بودگی پسامدرن» به اهمیت نظریه پسامدرن تصریح می‌کند، اما مدعی است در حالی که نظریه‌پردازان پسا مدرن به تفاوت و دیگری‌بودگی می‌پردازند، موجودیت و سهم امریکاییان افریقایی تبار، مخصوصاً زنان سیاه را فراموش می‌کنند.

هوکس نه فقط ادعا می‌کند که نظریه پسامدرن به تجارب و فرهنگ‌های امریکایی افریقایی مربوط است، بلکه یکی از پیامدهای کلی پسامدرن این است که دیگر گروه‌ها نیز با عرف سیاهان (black folks) در یک حس

عمیق از خود بیگانه‌گی، نومیدی، عدم قطعیت، فقدان حس خاک‌دوستی (sense of grounding)، سهیم شده‌اند. او از نظریه‌پردازان مرد سفیدپوست انتقاد می‌کند که با کدبندی آشنا درباره یکدیگر سخن می‌گویند، [هوکس] آلت‌رناتیو و عمل رادیکال پسامدرنی را پیشنهاد می‌کند که صداهای بی‌مکان، حاشیه‌ی و رانده شده، استثمار شده و ستم‌دیده مردم سیاه را سهیم کند.

در موافقت با هوکس، فیلیپ هارپر (Philip Harper) در اثرش «چارچوب‌بندی حاشیه‌ها: منطق اجتماعی فرهنگ پسا مدرن» به نژاد، طبقه و جنسیت به عنوان عناصر تعیین کننده فهم گفتمان ادبی پسا مدرن می‌پردازد. او نشان می‌دهد که آنچه ویژه‌گی‌های پسامدرن خوانده می‌شود، هم‌چون تفکیک و عدم تمرکز، به وسیله زنان سفیدپوست هم‌چون آنایس نین (Anais Nin) و امریکاییان افریقایی تبار مرد و زن هم‌چون رالف الیسون (Ralph Ellison) و گوندالین بروکس (Gwendolyn Brooks) قویاً احساس و با زیرکی بازنمایی می‌شود.

همان‌طور که هارپر از تحلیلش از شعر گوندالین بروکس با عنوان «مادر می سی سی پی باکون می پزد درحالی‌که مادر برانسیول درنگ می‌کند» (Mississippi Mother Burn Bacon, While Brownville Mother Loiters) و رمانش «ماود مارثا» (Maude Martha) بیان کرده است: مادرانه‌گی سیاهی که در این آثار بازنمایی شده، آن‌طور که منتقدان ادعا کرده‌اند، جهان‌شمولی احساس مادری و امکان هم‌بستگی زنان سفید و سیاه از مجرای هویت مشترک مادری را بازنمایی نمی‌کند. در «مادر می سی سی پی» بروکس با پهلوی هم‌گذاری مادر سفید و سیاه موفق شده است «تنوع و خاص بودن تجربه‌هایی که آرایش سوژه‌ها (subjectivities) را در بدنه اجتماعی ایالات متحده» و غلط بودن جهان‌شمولی ظاهری تجربه مادری را شرح بدهد. در ماود مارثا به نظر می‌رسد خشم قهرمانان، جهان‌شمولی مادری را نشان می‌دهد، اما خشم ماود، به عنوان خشم مادر به کودکش در یک بخش داستان توسط سانتا کلاوس نادیده گرفته می‌شود. هارپر تأکید می‌کند [این‌جا] خشم ماود مادرانه است اما نژادی هم هست، زیرا برخورد سانتا کلاوس با کودکان سفیدپوست دوستانه و صمیمانه است. او می‌گوید ذهنیت ماود تفکیک‌شده و مادرانه شده است؛ زمانی که کار می‌کند، از خودش دور است و درون هم‌بافت تجربه دیگری است. او هم‌چنین نشان می‌دهد این خشم تفکیک‌شده گرچه به طور خاص نژادی است، زیرا خشم او فقط به کمترین شکل تهدیدکننده وضع موجود بیان می‌شود، یعنی تمایل به مشارکت در اقتصاد به عنوان مصرف‌کننده.

در این نوشتار من خواسته‌ام نشان بدهم بازنمایی ادبی



در بازنمایی مادرانه‌گی از نقطه‌نظر مادر نمودند. مارینه هیرش (Mariane Hirsch) در اثرش «پیرنگ مادر/دختر: روایت، روان‌کاوی، فمینیسم» می‌پرسد چرا داستان مادران، هم‌چون داستان مادر ادیپ، جوکاستا (Jocasta) به‌ندرت از نقطه نظر مادر سخن می‌گوید. هیرش مشخص می‌کند که زنان، از جمله فمینیست‌ها بیشتر تمایل دارند به عنوان دختر بنویسند تا مادر. آنچه هیرش در «گفتمان مادری» می‌خواند، در میان کارهای ادبی و پژوهش فمینیستی نادر است. تیوری‌های موجود درباره مادرانه‌گی و رابطه مادر - دختر بیشتر از نقطه‌نظر دختر نوشته شده‌اند و به حس دوگانه (ambivalence) دختر و گاهی رنجش و کینه نسبت به مادر و شخصیت مادر واکنش نشان می‌دهند. برخی نظریه‌پردازان هم‌چو سوزان روبین سلیمان (Susan Rubin Suleiman) تأکید می‌کنند که وقتی یک زن به عنوان مادر سخن می‌گوید، روایتش تمایل به شکافی دوگانه دارد: خودش به عنوان یک مادر، و هم‌چنین به عنوان دختر مادرش. یکی از بهترین مثال‌های این ذهنیت شکافته مادر «زنی که مادرش را می‌زاید» اثر کیم چرنین (Kim Chernin) است. همان‌طور که از عنوان این اثر پیداست، زنان در این کتاب، شامل خود روایت‌گر هم می‌شود، خودشان را به عنوان دختران بازنمایی می‌کنند حتا وقتی درباره تجربیات والدینی یا زاییدن صحبت می‌کنند.

به هر حال این‌که زنان نویسنده شروع کرده‌اند به نوشتن درباره آنچه هیرش «گفتمان مادری» خوانده است، بدان معنی نیست که به عنوان یک هویت واحد می‌نویسند. من با سلیمان موافق نیستم که در اثرش با عنوان «کدام مخاطره‌آمیز است: برخورد با ادبیات هنر معاصر» می‌گوید مادران بدون توجه به قومیت، طبقه یا زمینه ملی، تجربیات مشترک مشخصی دارند.

برعکس صداهای مادری وامانده‌گی پسامدرنیسم در یکی از ایستاترین هویت‌هایی که زنان داشته‌اند نشان داده است. این می‌تواند همان‌طور که هیرش و دیگران تأکید کرده‌اند به خاطر آن باشد که ما همه دختر هستیم اما همه مادر نیستیم. یا ممکن است به آن دلیلی باشد که باربارا جانسون (Barbara Johnson) می‌گوید که همه گفتمان‌های بشری از این برمی‌خیزد که کودکی مادرش را صدا می‌زند، بنابراین آسان‌تر و مشترک‌تر آن است که به عنوان فرزند بنویسیم تا مادر یک فرزند.

مادرانه‌گی به وسیله اقلیت‌های گروهی، بازنماینده خلاقیت پسا مدرن است و بدین منظور، من نخست چشم‌انداز مختصری از پیشرفت نظریه‌های فمینیست مادرانه‌گی آرایه می‌دهم و نشان خواهم داد چه‌گونه گفتمان مادری زنان رنگین‌پوست ممکن است در آزمون واقعیات پسامدرن و هم در نظریه‌های پسامدرنیسم تعیین کننده باشد. سپس به‌طور مختصر نشان خواهم داد چه‌گونه زنان نویسنده قومی هم‌چون تونی مریسون، لسلی مارمون سیلکو، ماکسین هونگ کینگستون مفهوم مادرانه‌گی و چندین استراتژی از گفتمان مادری را به کار برده‌اند تا واقعیت خود و هم‌چنین جامعه امریکا را به طور کلی بازنمایی کنند.

2. نظریات فمینیست از 1970 تا کنون

رابطه میان مادرانه‌گی و خلاقیت چیست؟ وقتی یک مادر به عنوان شناسا (subject) می‌نویسد و حرف می‌زند، چه نوع مکانیسمی کار می‌کند؟ این‌ها مهم‌ترین مشغولیات پژوهش‌گران فمینیست به طور کلی و منتقدین ادبی فمینیست مخصوصاً می‌باشد. پژوهش فمینیست بر موضوع مادر و گفتمان مادری تحت تأثیر نظریه روان‌کاوی فروید بوده است، درحالی‌که کانون توجه را از رابطه ادیبی پدر- فرزند به رابطه پیشادیبی مادر- فرزند تغییر می‌دهد. این به عنوان مثال می‌تواند در اثر با نفوذ نانسی چودوروف (Nancy Chodorow) «بازتولید مادری» (Reproduction of Mothering) دیده شود. آدرینه ریچ (Adrienne Rich) در اثرش «از مادر می‌زاید: مادرانه‌گی به عنوان نهاد و تجربه» و مقالات دیگر، بر اهمیت رابطه مادر-دختر به عنوان نسخه اصلی (prototype) رابطه پرورشی و انگیزشی زن - زن، یعنی منبع خلاقیت زن تأکید کرده است. جولیا کریستوا (Julia Kristeva)، هلن سیگروس (Helene Cixous) و لوسی ایریگراسی (Luce Irigaray) که از نظریه‌های روان‌کاوی اجتماعی و زبان‌شناسی فروید و لاکان برآمده‌اند هم بر اهمیت رابطه پیشادیبی مادر - فرزند تأکید می‌کنند و بر پژوهش فمینیسم امریکایی موثر بوده‌اند. جولیا کریستوا مخصوصاً برای آن‌هایی جذاب بوده است که بر مادرانه‌گی و گفتمان تأکید می‌کنند، زیرا او مادری را به عنوان منبعی از زبان شاعرانه و قدرت‌برانداز نشان می‌دهد.

در دهه 1980 علاقه فمینیست‌ها به [نگریستن به] مادران به عنوان شناسا افزایش یافت و آن‌ها شروع به کاوش

هشدار رییس مجلس سنا از سپردن تجهیزات نظامی امریکا به پاکستان:

آرام نخواهیم نشست!



ر بوده شدن یک مقام...

سال‌های پنجاه اش است، در ایتالیا انجیری و راه سازی تحصیل کرده و از چهار سال به این سو به حیث معین وزارت فواید عامه کار می‌کند.

کاکر گفته است که «او انسان بسیار مسلکی بوده و با کسی منازعه و دعوا نداشت».

حشمت الله ستانکزی سخنگوی پولیس کابل اختطاف احمد شاه وحید را تایید کرده و گفته است «نیروهای پولیس افغانستان اقداماتی را برای یافتن و تامین آزادی اش به راه انداخته اند».

اختطاف برای تقاضای پول جهت رهایی و همچنان آدم ربایی توسط شورشیان طالب در افغانستان نسبتاً معمول است، اما وحید عالی ترین مقام دولتی است که امسال اختطاف می‌شود.

یک سخنگوی طالبان از طریق تیلیفون به اسوشیتید پرس گفته است که او از اختطاف روز سه شنبه اطلاع ندارد، اما جست‌وجو می‌کند که آیا شورشیان نامبرده در این رخداد دست دارند و یانه؟

غیبت نماینده‌گان سبب شده...

ما نگرانی‌های خودمان را در نشست هیأت روسای مجلس مطرح کردیم.

آقای سلجوقی بیان داشت که این بار هیأت اداری مجلس در نظر دارد تا غیبت همیشه‌گی اعضای مجلس را به حوزه‌های انتخاباتی‌شان گزارش دهند تا ادارات محلی نماینده‌گان را مطلع بسازند و هم‌چنان موکلین آن‌ها نیز بدانند که عملکرد وکلای آن‌ها چه‌گونه است.

آقای سلجوقی ابراز آرزومندی کرد که این روش هیأت اداری مجلس در آینده نتیجه خوب داشته باشد.

در عین حال، داکتر ظهیر سعادت عضو مجلس می‌گوید که غیابت وکلا دو دلیل دارد: «یکی این‌که چون نماینده مردم هستند در روز جلسات به‌خاطر رسیده‌گی به مشکلات مردم در دوایر دولتی مصروف هستند و بعضی از نماینده‌گان در ولایت‌های مربوط شان به همین نسبت می‌مانند؛ دلیل دوم این‌که شماری دیگری از این وضعیت سوء استفاده می‌کنند و با وجود این‌که در کابل هم هستند، اما در جلسات حاضر نمی‌شوند».

این عضو مجلس کسر معاش را بهترین راه برای جلوگیری از غیابت همکارانش خوانده گفت، کسر معاش پیش از این نیز نتیجه داده بود و اگر این موضوع جدی رعایت شود و بازی یک بام و دو هوا صورت نگیرد، طبعاً تأثیرات مثبت دارد.

آقای سعادت تصریح کرد و گفت، پارلمان مرجع قانون‌گذاری است و وقتی که یک وکیل به وظایف خود نرسد، قانونی پاس نخواهد شد و نظارتی از حکومت صورت نخواهد گرفت.

او تأکید کرد: وقتی که پارلمان کم کاری داشته باشد ضرر مستقیم آن برای مردم می‌رسد. نبود اعضای مجلس در نشست‌های عمومی مجلس نماینده‌گان، همواره مورد انتقاد قرار گرفته است.

مسلم یار در نشست روز گذشته مجلس سنا گفت: مجلس این موضوع را با جدیت دنبال می‌کند.

مقام‌های پاکستانی پیش از این اعلام کرده بودند که در حال مذاکره با جانب امریکا برای انتقال جنگ‌افزارها به پاکستان هستند.

سفیر امریکا در اسلام‌آباد مذاکرات پیرامون سپردن تجهیزات نظامی این کشور در افغانستان، به پاکستان را تأیید کرده بود.

این موضوع، انتقادهای تند شهروندان کشور را نیز در پی داشته است.

به ارزش ۶ میلیارد دالر را به پاکستان تحویل دهد که واکنش‌های مقامات افغانستان را در پی داشت.

وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) این گزارش‌ها را رد کرد اما طی روزهای اخیر بار دیگر اخباری مبنی بر احتمال تحویل دادن تجهیزات نظامی امریکا در افغانستان به پاکستان منتشر شده است. اعضای مجلس سنا افغانستان به شدت از این تصمیم امریکا اظهار نگرانی کرده و گفته اند که افغانستان قربانی جنگ علیه تروریسم است و نیروهای افغانستان به این تجهیزات نیاز جدی دارند.

رییس مجلس سنا کشور از امریکا خواست که از تحویل تجهیزات نظامی خود در افغانستان به پاکستان خودداری کند.

فضل‌هادی مسلم یار روز سه شنبه در نشست عمومی مجلس سنا در کابل گفت: اگر امریکا تجهیزات نظامی خود را به پاکستان بدهد مردم افغانستان آرام نخواهند نشست.

وی افزود: امریکا برای کمک به افغانستان و مبارزه با تروریسم وارد کشور شده است و باید برای تحکیم نظام و امنیت افغانستان تلاش کند. دو ماه پیش روزنامه‌های غربی نوشتند که امریکا می‌خواهد تجهیزات نظامی خود در افغانستان

تلاش کابل و انقره برای...

«تجارتی که امروز داریم در حدود ۳۰۰ میلیون دالر اصلاً شایستگی افغانستان و ترکیه را ندارد. ما باید این را بیشتر بسازیم ما می‌توانیم بیشتر از ایران از ترکیه مواد وارد کنیم».

حق‌جو افزود که افغانستان می‌تواند از طریق برقراری روابط نزدیک با تاجران ترکیه حلقه تجارتی‌اش را وسعت دهد و از این راه با جهان

سفر رییس مجلس نماینده‌گان...

جمهوری خواه با سربازان امریکایی، سفیر امریکا و فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان در جریان سفر دو روزه که از یکشنبه آغاز شده دیدار و گفت‌وگو کردند.

انتخابات ریاست جمهوری پنجم اپریل افغانستان بنیانگذار اولین روند گذار دموکراتیک قدرت و تعیین جانشین برای حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان است که ۱۲ سال در راس قدرت است؛

پیروزی گریه امریکا...

پیدا کند، توانایی سرنگونی دولت را نیز به دست خواهد آورد.

نکته مثبت این است که افغانستان نیازی به داشتن یک دولت قوی مرکزی ندارد. از زمان پایه گذاری افغانستان امروزی توسط احمد شاه ابدالی در ۱۷۴۷، تاریخ افغانستان دائماً بین مرکزیت گرای و عدم مرکزیت دولت در نوسان بوده است. برای مثال تحت زمامداری رهبران شایسته‌یی همچون احمد شاه، حکومت مرکزی قوی شد اما با رهبری افراد نالایقی همچون پسرش تیمور، قدرت حکومت مرکزی به میزان قابل توجهی کاهش یافت.

با وجود تلاش‌های غرب، افغانستان در حال بازگشت به اصل خود است. جنگ افغانستان بیشتر به ترکیبی از دشمنی‌های جداگانه محلی بین قبایل آشفته شبیه است زیرا افغانستان عرصه‌یی است از دشمنی‌های

وصل شود.

سفیر ترکیه در این نمایشگاه گفت که افغانستان شریک خوب این کشور بوده می‌تواند و باید روابط اقتصادی دو کشور بیشتر گسترش یابد.

در همین حال تاجران و سرمایه‌گذارانی که اموال تجارتی را از ترکیه وارد می‌کنند از موثرت این نمایشگاه می‌گویند.

عزت الله سادات که تخنیک تبدیل موترهای پترولی را به گازی از ترکیه به افغانستان آورده

واژ کارش راضی است، می‌گوید این تخنیک ترکیه سبب بهبود هوای کابل می‌شود: «فعلاً ما موترها را از پترول به گاز تبدیل می‌کنیم. این کار به محیط زیست کمک می‌کند و ما بخاری های ترکی را هم در این جا به نمایش گذاشته ایم».

اتاق تجارت می‌گوید چهار سال پیش حجم تجارت افغانستان و ترکیه ۱۵۰ میلیون دالر بود اما حالا دو برابر شده

خواستار استقرار بیشتر نیروهای امریکایی در افغانستان و جلوگیری از تکرار رخدادهای عراق هستند؛ کشوری که این قانونگذاران بحران‌های کنونی‌اش را به دلیل تصمیم گیری عجولانه باراک اوباما در خروج سربازان امریکایی می‌دانند.

دفتر بوئنر اعلام کرد، این سفر با هدف ارسال پیامی شفاف و قوی از سوی نماینده‌گان مجلس نماینده‌گان امریکا صورت گرفت که خواهان حضور تعداد بیشتری از سربازان امریکایی در افغانستان هستند.

اقدامی که با آمادگی نیروهای غربی برای خروج از افغانستان پس از یک دهه صورت گرفت.

باراک اوباما، رییس جمهوری دموکرات امریکا قصد دارد تا اکثر سربازان این کشور را از افغانستان خارج کند و تمایل دارد تا ۸۰۰۰ سرباز را برای آموزش سربازان و نیروهای امنیتی افغانستان برای مقابله با تروریسم در این کشور بر جای بگذارد. اگر چه حامد کرزی تاکنون از امضای این معاهده امنیتی سرباز زده است.

بسیاری از قانونگذاران جمهوری خواه امریکا

جداگانه بین قبایل آشفته! تلاش طولانی مدت امریکا و ناتو برای تغییر این ترتیبات نیز نقض تاریخ بود. برای مثال چرا افغانستان به یک پولیس ملی نیاز دارد؟ خود امریکا هم پولیس ملی ندارد. یا چرا امریکا غریبه‌ها و دشمن‌های قومی را به اقدام برای برقرار کردن نظم در روستاهای افغانستان ترغیب می‌کند؟

اما دو دلیل برای خوشبینی وجود دارد: یکی رشد تعداد نیروهای محلی افغانستان است که از سال ۲۰۱۰ تحت عنوان طرحی در جهت استخدام افغان‌های روستایی برای محافظت از روستاهایشان آغاز شد. این نیرو تاکنون موفقیت‌های راهبردی بسیاری کسب کرده و اکنون تعداد آن به ۲۴ هزار تن رسیده است.

در جدیدترین گزارش پنتاگون از جنگ افغانستان، نیروهای محلی افغانستان با تلفات کم و یکی از کمترین میزان‌های درگیری، یکی از انعطاف

پذیرترین موسسات نیروهای امنیت ملی افغانستان شناخته شد. دلیل موفقیت این نیرو این است که بازتاب دهنده پایگاه تاریخی قدرت در افغانستان است. اما محلی گرای هزینیه‌یی نیز دارد: فاصله گرفتن از کنترل و نظارت کابل.

اکنون نیروهای محلی با نیروهای ویژه امریکا همکاری می‌کنند که این امر باعث محدودیت آنها می‌شود. اما پس از خروج نیروهای امریکا، کابل و روسای پولیس محلی وظیفه نظارت بر آنها را بر عهده خواهند داشت. شاید در این صورت این محدودیت‌ها افزایش یابند. ۱۰ وظیفه اساسی برای نیروهای امنیتی محلی که تحت نظارت کابل و امریکا باشند، وجود دارد: برای مثال، عدم پناه دادن به نیروهای القاعده که تحت تعقیب هستند، عدم بدرفتاری با زندانی‌ها و فرستادن دخترها به مدرسه. در این صورت به نظر می‌رسد که افغانستان به یک

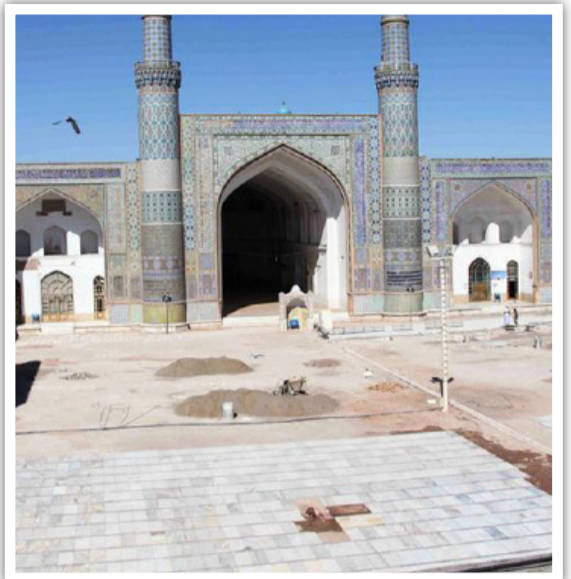
کشور با ثبات نزدیکتر خواهد شد. دومین مورد مهم برای رسیدن به این مهم، یک دولت مرکزی مسوولیت پذیر است که کشورهای خارجی بتوانند با آن رابطه داشته باشند.

دولت افغانستان برای دریافت کمک از غرب باید بیشتر با آنها هم جهت شود. کابل تنها با کمک غرب می‌تواند افراد با نفوذ محلی را با خود همراه سازد و اگر آنها حاضر به همکاری نشوند، در نهایت کشته خواهند شد.

این‌که نسبت به افغانستان خوشبین باشیم غیر منطقی نیست. سرانجام موسسات افغانستان در حال نزدیک شدن به سنن این کشور هستند.

اگر طرح نیروهای محلی نیز ادامه یافته و از حالت موقت به دائمی تغییر یابد، این فاصله کمتر نیز خواهد شد. احترام به مراکز قدرت محلی در کنار مسوولیت پذیری دولت افغانستان در کابل می‌تواند به یک راه حل ثابت یا حتی پیروزی منجر شود.

آغاز دو پروژه بازسازی در مسجد جامع بزرگ هرات



کار خشت فرش بام و سنگ فرش صحن مسجد جامع هرات به هزینه بیش از ۳۰ میلیون افغانی از بودجه انکشافی وزارت اطلاعات و فرهنگ و کمک‌های مردمی هرات آغاز شد. این بنا بیش از ۱۴ قرن قدمت دارد و پنجمین مسجد جامع بزرگ جهان می‌باشد.

مقامات ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات می‌گویند ستون‌ها و سقف‌های این مسجد تاریخی به خاطر نفوذ رطوبت با خطر مواجه بودند. مقامات ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات می‌گویند ستون‌ها و سقف‌های این مسجد تاریخی به خاطر نفوذ رطوبت با خطر مواجه بودند.

به گزارش دویچه وله، مسجد جامع هرات که در جهان به مسجد «آبی» نیز مشهور است ۴۶۷۶۰ متر مربع مساحت دارد. این آبنده برای قرن‌ها معبد آریایی‌ها بود و در قرن ۲۹ هجری پس از گرایش مردم این منطقه به اسلام به مسجد مبدل شد.

تا اکنون چندین بار از ایزوم گام شدن بام‌های مسجد جامع شهر هرات نگرانی‌های جدی مطرح شده، اما حالا مسوولان اداره اطلاعات و فرهنگ می‌گویند کار خشت فرش ۱۵ هزار متر مربع بام‌های این مسجد آغاز شده که این بنا را از صدمه دیدن نجات خواهد داد.

آریا رثوفیان، رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات گفت که خشت فرش بام‌های مسجد جامع هرات به هزینه بالغ بر ۲۵ میلیون افغانی طی دو سال آینده تکمیل خواهد شد. که بخشی از این مبلغ را وزارت اطلاعات و فرهنگ و بخش قابل ملاحظه از کمک‌های مردمی تامین گردیده است.

آقای رثوفیان افزود: «در فصل گرما و سرما بناهای تاریخی باید منفض‌هایی برای تعبیه هوا داشته باشند. منفض‌های مسجد بسته شده بود و رطوبت به ستون‌ها و دیوارها رسیده بود. حالا این راه‌های تنفس برای ساختمان این آبنده با سنگ فرش بام‌ها ایجاد می‌شود. سیستمی بر بام‌های ساختمان ایجاد می‌شود که موقعیت بیرون شدن رطوبت را از ساختمان در فصل‌های مختلف سال فراهم نموده و از فروپاشی آن جلوگیری می‌کند.» به گفته او کار سنگ فرش صحن مسجد جامع بزرگ شهر هرات نیز که آسیب دیده بود، به هزینه بالغ بر ۱۲ میلیون افغانی از بودجه انکشافی وزارت و کمک‌های مردم آغاز شده است. از زمان حکومت محمدظاهر شاه تا سال ۱۳۸۳ هجری، گمرک هرات مبلغی را به عنوان اعانه برای ترمیم و بازسازی مسجد جامع بزرگ هرات جمع‌آوری نموده و به مصرف می‌رساند؛ اما این روند در سال ۱۳۸۴ از سوی وزارت مالیه متوقف شد. پس از آن بودجه ناچیز اختصاص یافته از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ تکافوی مصارف بازسازی و حفظ و مراقبت از این مسجد را نمی‌کرد.

در طول این سال‌ها، پیامد این وضعیت صدمات شدیدی به این بنای بزرگ تاریخی وارد کرد. تا اینکه با ابتکار اتاق تجارت و صنعت گران هرات، انجمن خادمین مسجد جامع ایجاد شد و برای ترمیم و نوسازی بخش‌هایی از این بنای تاریخی هزینه‌های چشم‌گیری را به مصرف رساند.

عبدالرحمن صلاحی، عضو انجمن خادمین مسجد جامع هرات با انتقاد از عمل کرد دولت نقش مردم را در حفظ میراث‌های فرهنگی ستایش کرده اضافه کرد: «وقتی مردم کمک می‌کنند که ضعف حکومت در پیشبرد پروژه را می‌بینند. وقتی که بودجه تخصیص داده نمی‌شود و حکومت درایت و توانمندی بازسازی و حفظ و مراقبت آبنده‌های تاریخی را ندارد، مردم خودشان اقدام کرده‌اند.»

همایون احمدی عضو مسلکی آمریت ابدات تاریخ ولایت هرات باور دارد اگر پروژه‌های با کمک مردم در زمینه حفظ ابدات تاریخ اجر شود این آثار با ارزش تاریخ از فروپاشی نجات می‌یابد. وی گفت: «این پروژه مسجد جامع را از فروپاشی نجات می‌دهد. سقف مسجد جامع به شکل غیرمسلکی ایزوگام شده بود و سقف‌های خشتی و گنبدی این بنای تاریخی رطوبت زده بود. حالا این پروژه باعث می‌شود که عمر این آبنده طولانی‌تر شود و رطوبت اش خشک شود.»

این در حالی‌ست که عدم توجه مقامات مسئول حکومت مرکزی برای حفظ ابدات تاریخی در ولایت هرات که بیشتر از ۸۰۰ آثار و ابدات با ارزش تاریخی باشند باعث شده که بخشی از آنها فروپاشیده و یا با خطر جدی فروپاشی روبرو شوند.

برنده پولیتزر:

باید به پاکستان حمله می‌شد نه افغانستان



به گفته گال، دولت پاکستان به مدت شش سال پیش از مرگ بن لادن توسط امریکا در ۲۰۱۱، از او محافظت می‌کرد. وی مدعی شد که پاکستان نه تنها از بن لادن حمایت کرده، بلکه به او اطلاعات جاسوسی هم رسانده است. گال این سخنان را بر پایه شنیده‌های خود از منابع مطلع بیان کرد.

یک خبرنگار برنده جایزه پولیتزر در کتاب جدید خود با نام «دشمن اشتباهی: امریکا در افغانستان ۲۰۰۱-۲۰۱۴» نوشت که واشنگتن باید به پاکستان حمله می‌کرد نه به افغانستان. به گزارش شبکه خبری ای.بی.سی. نیوز، کارلوتا گال، خبرنگار نشریه نیویورک تایمز در این خصوص عنوان کرد: با وجود اینکه حضور امریکا و ناتو در افغانستان، تلفات زیادی برای طرفین داشت اما مشکل از افغانستان نبود بلکه افراطی‌گری و حمایت از شورش در پاکستان صورت می‌گیرد. گال مدعی شد که رهبران سابق پاکستان به ویژه پرویز مشرف، رییس‌جمهور سابق پاکستان با هوش بالای خود امریکا را فریب داده و خود را متحد واشنگتن جا زدند. گال با متهم کردن پاکستان به «تزویر» تصریح کرد که یک نمونه آن حضور اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده در پاکستان بود.

سفیر امریکا در کابل:

به آرای مردم افغانستان احترام می‌گذاریم



سفیر امریکا در افغانستان با سفر به ولایت هرات اظهار داشت که دولت آینده افغانستان پیمان امنیتی را با امریکا به امضا خواهد رساند. جیمز کایننگهام سفیر امریکا در کابل افزود که اولین اقدام امریکا با رییس‌جمهور آینده افغانستان، امضای پیمان امنیتی کابل-واشنگتن است.

سفیر امریکا در کابل ادامه داد که واشنگتن از هیچ یک از کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان حمایت نمی‌کند و به آرای مردم این کشور احترام می‌گذارد.

وی ضمن ابراز نگرانی از افزایش تهدیدها علیه نماینده‌گی سیاسی امریکا در هرات همچنین از فعالیت نیروهای امنیتی افغانستان تشکر کرد.

یک مهاجم انتحاری ۲ روز پیش به همراه یک کامیون بمب گذاری شده که از سوی طالبان به منظور حمله به ساختمان کنسولگری امریکا در هرات سازماندهی شده بود، از سوی پولیس این شهر بازداشت شد.

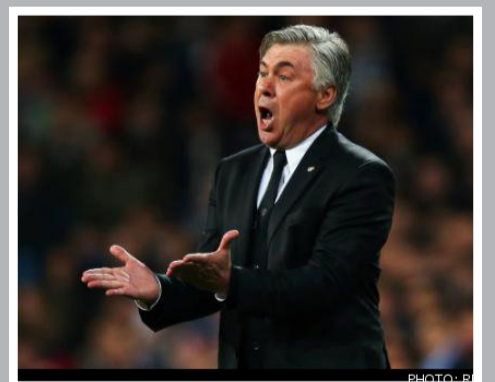
این دومین سفر جیمز کایننگهام به هرات از زمان تصدی سفارت امریکا در افغانستان است. امضای پیمان امنیتی کابل-واشنگتن همواره یکی از موضوعات جنجالی محافل سیاسی افغانستان بوده که تاکنون حامد کرزی از امضای آن شانه خالی کرده است.



ورزش

آنچلوتی:

ال کلاسیکو برای کل فصل بسیار مهم است



سرربی رئال مادرید معتقد است پیروزی برابر بارسلونا در فینال جام حذفی باعث افزایش روحیه شاگردانش در ادامه فصل خواهد شد.

رئال مادرید بامداد پنجشنبه در فینال جام حذفی اسپانیا برابر بارسلونا قرار خواهد گرفت. این سومین ال کلاسیکو فصل است. شاگردان کارلو آنچلوتی در دو ال کلاسیکو قبلی در این فصل شکست خوردند.

کارلو آنچلوتی، سرربی رئال مادرید پیش از دیدار تیمش برابر بارسلونا در فینال جام حذفی اسپانیا گفت: دیدار فینال برای ما بسیار مهم است و کسب پیروزی در این دیدار و قهرمانی در جام حذفی باعث افزایش

روحیه ما در ادامه فصل می‌شود. اگر بتوانیم بارسلونا را شکست دهیم و به قهرمانی برسیم، روحیه‌مان برای ادامه فصل افزایش می‌یابد و می‌توانیم راه خودمان را برای قهرمانی در لیگ و لیگ قهرمانان هموار کنیم. به نظرم دیدار فینال از جنبه روانی برای ما بسیار مهم است.

سرربی رئال مادرید در ادامه گفت: این اولین جام فصل است. دوست داریم اولین جام را به هوادارانمان تقدیم کنیم. بارسلونا تیم بزرگی است و دیدار با این تیم بسیار مهم و تعیین کننده است. آنها در این هفته در لیگ و لیگ قهرمانان نتیجه خوبی نگرفتند و تلاش زیادی خواهند کرد تا بتوانند در جام حذفی به قهرمانی برسند. رئال مادرید در آخرین ال کلاسیکو دو تیم در جام حذفی موفق شد با گل کریستیانو رونالدو بارسلونا را شکست دهد و به قهرمانی برسد.

سرربی ایتالیایی رئال مادرید در پایان گفت: فکر نمی‌کنم شکست ما در دو بازی قبلی برابر بارسلونا باعث شود تا تیم ما از لحاظ روانی برای پیروزی تحت فشار باشد. دیدار بامداد پنجشنبه برای هر دو تیم دیدار سخت و پیچیده‌ای است. باید بازی بسیار خوبی از خودمان نشان دهیم و با تمرکز بالا و انگیزه زیاد به پیروزی برسیم و قهرمانی در جام حذفی را کسب کنیم.

دفاع جانانه پویول از مسی و تاتا



کمک کنید. واقعا نمی‌توانم سوالات شما را درباره آبنده خود جواب دهم، زیرا جوابی برای آنها ندارم و تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که تصمیم من ارتباط زیادی به شرایط در این ماه‌های پایانی فصل خواهد داشت.

پویول درباره انتقادات از خرداد و مارتینو گفت: نمی‌توانیم از انتقادها جلوگیری کنیم. زیرا همواره انتقاد کردن و اعتراض به یک نفر آسان‌تر از اعتراض به ۲۵ بازیکن است اما می‌خواهم بگویم که اگر شرایط بدین گونه پیش رفته است، بیشتر تقصیر بازیکنان است تا مربی. من واقعا برای تاتا بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. او سرربی فوق‌العاده‌ای است و حاضرم برای موفقیت او بمیرم، همانطور که او این کار را برای ما می‌کند.

مدافع بارسلونا در پایان درباره شرایط لیونل مسی گفت: تنها بازیکنی که نمی‌توانیم انتقادی را به او وارد کنیم، لیونل مسی است زیرا او در این مدت همه چیز به ما داده است و هیچکس نمی‌تواند بگوید که او برای ما تلاش نمی‌کند.

کارلس پویول به حمایت از سرربی بارسلونا پرداخت و اعلام کرد حاضر است برای موفقیت او در بارسلونا جان بدهد.

کاپیتان بارسلونا در پایان جلسه تمرینی روز گذشته تیمش با حضور در کنفرانسی مطبوعاتی پیرامون مسائل مختلفی به صحبت پرداخت.

پویول در ابتدا درباره نتایج ضعیف تیمش در این فصل گفت: بیرون رفتن از لیگ قهرمانان اتفاق دردناکی است و شکست پس از آن در لیگ نیز این ناراحتی‌ها را افزایش داد اما باید به این نکته توجه کرد که ما در نزدیکی یک فینال قرار داریم و می‌خواهم به هوادارانمان بگویم که ما تمام آن چه را می‌توانیم برایشان انجام خواهیم داد. در این لحظات نیاز به حمایت هواداران و اتحاد تیمی داریم زیرا که قرار است برابر تیمی بسیار قدرتمندی به میدان برویم.

پویول در ادامه گفت: خود ما بهترین متقدان تیم هستیم و بهتر از هر کس اشتباهاتمان را می‌دانیم اما اکنون هدف ما تنها موفقیت در فینال کوبا دلری و پنج مسابقه باقی مانده در لیگ است. اگر چه که انتظار ما پیروزی برابر گراناادا بود اما به هر حال ما هنوز از قهرمانی در لیگ ناامید نیستیم. از این پس تنها می‌خواهیم که کاری کنیم که هوادارانمان در پایان فصل چیزی برای جشن گرفتن داشته باشند.

مدافع بارسلونا و تیم ملی اسپانیا درباره آینده ورزشی خود ادامه داد: هنوز تصمیمی برای آینده خود نگرفته و نمی‌توانم چیز تازه‌ای به شما بگویم. وقتی شما بیرون از فضای تیم و مسابقات هستید، رنج زیادی را متحمل می‌شوید؛ به خصوص هنگامی که می‌بینید که دیگر نمی‌توانید به تیم

Mandegar

پاکستان غواری افغانی او پاکستانی طالبان په یوه جبهه کې و جنگوي

د سولې عالي شورا وايي، تر اوسه د ملا اغا جان معتصم برخليک روښانه نه دی، خو افغان حکومت يې د موندلو هڅې پيل کړي دي. دغه راز سياسي شنونکي وايي، چې د ملا عمر له لوري د پاکستانیو طالبانو د اختلافونو حلولو موخه د افغانستان په جبهه کې د پاکستانیو او افغانی طالبانو جنگول دي.

د سولې د عالي شورا د بهرنیو اړیکو مسوول محمداسماعيل قاسميار ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وويل، افغان حکومت د ملا اغا جان معتصم د برخليک معلومولو په لټه کې دی؛ خو تر اوسه يې دوی ته کره معلومات نه دي ورکړي. د ده په وينا، دا چې معتصم اغا افغان دی، پوښتنه، پلټنه او ترې دفاع کول يې د افغان دولت مسوولیت دی.

نوموړي د پاکستان حکومت له لوري له زندانه د طالب بنديانو خوشې کېدو او له قبایلي مشرانو د پاکستانیو طالبانو ترمنځ د شخړو حلولو لپاره د ملا عمر غوښتنې ته اشارې وويل، چې ښايي دغه مساله د پاکستان حکومت او پاکستانی طالبانو د جوړ جاري لپاره وي، چې پر افغانستان به مثبت اغېز هم وکړي.

ښاغلي قاسميار زیاته کړه، حتمي نه ده چې د هوا ګرمېدل، له زندانه د طالب بنديانو خوشې کېدل او ورسره د پاکستان حکومت جوړېدل د افغانستان پر وضعیت او په افغانستان کې په جګړې ناوړه اغېز وکړي.

هغه وويل، که چېرې د پاکستانی طالبانو او پاکستان حکومت

مسالې ښه شاهد ده.)) نوموړي د دې پوښتنې په ځواب کې چې د نوي حکومت په راتلو سره به د سولې د پروسې برخليک څه شي وويل، چې د ولسمشرۍ ټولو نوماندو د سولې پروسه په خپلو کاري لومړیتوبونو کې ځای کړې ده او له سولې پرته نشي کېدای، بدلولون او پراختیا راشي.

ښاغلي محمداسماعيل قاسميار زیاتوي، چې سوله په هېواد کې یو حیاتي اړتیا ده، چې راتلونکی حکومت به پر سولې مثبت اغېز وکړي او د نوي حکومت د کار په پیل کې به د سولې پروسه شامله وي.

ده وويل، چې په ټاکنو کې د خلکو میلیوني ګډون د مذاکرو په مېز کې د دوی دريځ پیاوړی کړی دی او هیله من دی، چې د نوي حکومت په راتلو سره به د سولې پروسه بریالی او هېواد به د تلپاتې امنیت او سولې خاوند وي.

په همدې حال کې د کابل پوهنتون استاد فاروق بشر ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وويل، چې په دوی کې د ملا اغا جان معتصم غوندې د طالبانو او ای اېس ای اندېښنې را پورته کړې او د دې لپاره چې طالبان ونه ویشل شي او د هغوی ستونزې ډېرې نشي، د نوموړي په ترې تم کېدو لاس پورې شو.

د ده په وينا، ای اېس ای به تر هغې په افغانستان کې د سولې راوستو ته اجازه ور نه کړي؛ خو د دوی د خوښې وړ حکومت راغلی نه وي. ((طالبان تر اوسه د سولې د خبرو اترو لپاره چمتو شوي نه دي او نه يې افغان حکومت په رسمیت پېژندلی



دی. په فرانسه او دویې کې چې کومې ناستې وشوې په هغه کې د ملا عمر استازی نه و.))

استاد بشر وايي، چې د هوا په ګرمېدو سره هر کال په هېواد کې د طالبانو جګړې زور اخلي او د دې لپاره چې سرکال پاکستانی او افغان طالبان په یوه جبهه کې وځنګرې، ملا عمر د پاکستانیو طالبانو ترمنځ د اختلافونو د له منځه وړلو او پاکستان د طالبانو د پیاوړي کېدو هڅې پیل کړي دي.

د هغه په خبره، چې د امنیتي تړون له لاسلیک طالبان زورور کړي دي؛ خو تر هغې چې پر ای اېس ای فشار راوړل شوی نه وي او سولې ته آماده شوې نه وي، دا مساله نشي حل کېدای. نوموړي دا د حیرانۍ وړ وبلله، چې په افغانستان کې طالبانو ته جګړه جهاد خو په پاکستان کې ورته جګړه ناروا ګڼل کېږي.

تر منځ روغه کېږي، ښايي په دې سره افغانستان کې هم ترې ګټه وشي؛ خو وايي: ((په دې کې هم شک نشته چې دوی (پاکستانی استخبارات او پوځيان) د افغانستان لپاره روښانه برنامه لري. دوی تل هڅه کوي چې د ځان لپاره یو سرپوښ او بهانه پیدا کړي.))

د سولې د عالي شورا د بهرنیو اړیکو د کمېټې مسوول وايي، تېرو ټاکنو روښانه کړه، چې افغان ملت د طالبانو له ګواښونو او بریدونو نه وپریږي. ((د کابل سرینا پېښې چې د ډېرو امنیتي تدابیرو باوجود ترسره شوه، خلک یې ونه ډار کړل. طالبان هم اوس دې پایلې ته رسېدلي دي چې افغانان ټول یو موټی دي. یووالی لري او خپل دريځ یې غښتلی کړی دی. په ټاکنو کې د خلکو میلیوني ګډون او ونډه اخیستنه د دې

هیأت اداری مجلس: غیبت نماینده گان سبب شده به مسوولیت های مان نرسیم



هارون مجیدی

تکمیل نبودن نصاب مجلس، این قانون به رأی گیری گذاشته نشد.

محمد صالح سلجوقی نایب مجلس نماینده گان با بیان این که غیبت وکلا به یک بیماری دوامدار تبدیل شده است، گفت: این بار شمار زیادی از وکلا به دلیل مصروفیت های سیاسی شان در جلسات عمومی کمتر شرکت کرده اند.

آقای سلجوقی افزود، هیأت اداری ناچار است تا اصول و وظایف داخلی را تطبیق کند. او هم چنان گفت: «به همین نسبت مجلس فیصله کرد که نام وکلای غیر حاضر را از طریق رسانه ها اعلام کنند و هم چنان از معاش آنها کسر شود.»

نایب مجلس نمایندگان تصریح کرد، غیبت دوامدار وکلا در مجلس دلیلی ندارد و پذیرفتنی نیست... ادامه صفحه ۶

هیأت اداری مجلس نماینده گان می گوید که غیبت وکلا در نشست های عمومی مجلس سبب شده است که آنها نتوانند به مسوولیت ها و وظایف شان بپردازند.

هیأت اداری مجلس نمایندگان به دلیل غیابت دایمی شماری از نماینده گان، روز دوشنبه همین هفته فهرست ۱۳۲ تن از اعضای غایب را در مجلس خواند و در یک اقدام تنبیهی، مقداری از حقوق ماهانه نماینده گان غیر حاضر را کسر کرد.

هیأت اداری مجلس فیصله کرد که نام های اعضای غیر حاضر را بعد از این در رسانه ها اعلام خواهند کرد.

قرار بود طرح مالیات بر افزایش ارزش در نشست علنی روز دوشنبه (۲۵ حمل) مجلس نماینده گان به بحث گرفته شود؛ اما به دلیل

پیروزی کره امریکا در افغانستان



آندرو پیک - نشریه فیسکال تایمز

با وجود پیشرفت طرح پولیس محلی افغانستان و برگزاری موفقیت آمیز انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، به نظر می رسد که امریکا در حال به دست آوردن یک «پیروزی کره» در افغانستان است.

امریکا، افغانستان و عراق را از نظر مبارزه با تروریسم و شاید «مازوخسیم ملی» با ویتنام مقایسه می کند اما حقیقت این است که افغانستان از عراق هم خطرناک تر بود.

این مقایسه در خصوص عراق که با حمله امریکا اقلیت سنی در آن دچار محدودیت شده و اکثریت شیعه به قدرت رسیدند، مضحک است. با وجود همه سخنانی که در باب دموکراسی مطرح می شوند، این نتیجه عملی سیاست بود و به این ترتیب این موضوع که سنی ها دوباره

قدرت را در عراق در دست بگیرند حداقل به لحاظ محدودیت تعداد، بعید به نظر می رسد. اما افغانستان کمی متفاوت است. امریکا در این کشور با عناصر گروه تروریستی طالبان می جنگد. اگر این گروه موفق شود میان قوم پشتون حامیانی... ادامه صفحه ۶

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شمارهها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰